

هیکو؛ جهنم کارگران، بهشت سهامداران در بازار بورس

محمد عبادی فر



نمودار قیمت سهام هیکو رشد بسیار بالایی را در ۶ ماه نشان می‌دهد. اما سهام شرکتی که در ورشکسته‌ترین حالت خود و بدون تولید است، چرا باید تقاضا داشته باشد؟

نزدیک به بیست روز است که کارگران شرکت «هیکو» اراک دوباره اعتصاب و اعتراض کرده‌اند و چند باری مسیر راه‌آهن جنوب به شمال را بستند. آنها برای دریافت معوقات‌شان دوباره اعتراضات خود را شروع کرده‌اند، اعتراضاتی که یادآور اعتراضات سال گذشته این کارگران است که از فروردین ماه شروع شد و در طول سال ادامه داشت. آنها در اعتراضات خود که دوباره از ابتدای شهریور امسال آغاز شده، اعلام کردند این شرکت از ابتدای سال هیچ تولیدی نداشته و طبق گفته مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی سال گذشته این شرکت تنها ۴۸ دستگاه تولید داشته است.

وی همچنین گفت «باید از دولت پرسید در سال گذشته چند دستگاه مشابه تولیدات هپکو به کشور وارد شده است؟» (ایلنا، ۵ شهریور ۱۳۹۸).

هپکو برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ توسط سازمان خصوصی‌سازی به صورت مزایده به شرکتی تحت عنوان «واگن‌سازی کوثر» واگذار شد. اما به دلیل موفق نبودن این واگذاری و ضرر و زیان و نیز لطمه جدی به شرکت، دوباره در سال ۹۵ شرکت «هپکو» از مالکیت «واگن‌سازی کوثر» خارج و به شرکت «هیدرواطلس» واگذار می‌شود (مهر، ۲۵ فروردین ۱۳۹۸).

سال گذشته دی ماه ۱۳۹۷ نیز «احمد علیرضا بیگی» نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر گفته بود «این مجتمع بزرگ در سال ۱۳۸۳ به اقوام یکی از وزرای وقت (دولت سی دهم خاتمی) واگذار شد و وزیر هم به یکی از اعضای هیئت مدیره تبدیل شد و مبالغ قابل توجهی وام نیز در اختیار «هپکو» قرار گرفت. ولی با گذشت زمان و با وارد کردن ماشین‌آلات مستعمل راه‌سازی عملاً «هپکو» بی‌فایده می‌شود و نهایتاً این صنعت منحصر به فرد با قیمت ۱۰ میلیون تومان به یک شکلات‌فروش فروخته و واگذار می‌شود» (تسنیم، ۲۱ دی ماه ۱۳۹۷). واگذاری به این قیمت در حالی بود که نادر قاضی‌پور اعلام کرد «فقط برند هپکو میلیاردها تومان قیمت دارد. طبق قرارداد شرکت هپکو باید با مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان و ضمانت‌نامه بانکی ۱۵۰ میلیارد تومانی واگذار شود که ...» (ایلنا، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷).

اعتراضات کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه خود و بازگرداندن شرکت به دولت به جایی رسید که برخی از کارگران در آبان‌ماه ۱۳۹۷ با احکام حبس و شلاق روبرو شدند. چرا که دولت اعتراضات صنفی کارگران را تبدیل به موضوعی امنیتی کرده بود و آنها را به اخلاف در نظم عمومی متهم کرد. البته در نهایت این احکام تعلیق شدند.

وزارت راه و شهرسازی آن زمان به ریاست عباس آخوندی در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ از ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات هپکو به دولت خبر داد، اما راهکارها چه بودند؟ این بود که «هپکو» خودش باید برای ورود به بازار رقابتی هدف‌گذاری کند» (وزارت راه و شهرسازی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷). این به این معنا بود که کاری از دست این وزارتخانه بر نمی‌آید.

عادل آذر رئیس دیوان محاسبات مجلس گفت: «شرکت هیکو در سال ۸۵ حدود ۲۰ میلیارد و ۲۵۷ میلیون تومان سود عملیاتی داشته است که علاوه بر سود انباشته این واحد تولیدی بوده است. در عین حال در سال ۸۵ تولیدات این واحد تولیدی حدود ۱۸۰۰ بوده است» (ایلنا، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷).
وضعیت کارگران این شرکت اما با وضعیت سهامداران کاملاً متفاوت و برعکس بود اما چگونه؟

سوداگری و سفته‌بازی با سهام «هیکو»

سهام شرکت «هیکو» به دلیل وضعیت نامناسب مالی و همچنین عدم شفافیت آن طبق قوانین بازار بورس و اوراق بهادار در این بازار پذیرفته نشده است. به همین دلیل سهام این شرکت در بازار پایه «تابلوی ب» مورد معامله سهامداران قرار می‌گیرد. بازارهای پایه دارای سه تابلوی «الف»، «ب»، «ج» هستند که شرکت‌ها به تناسب شرایط متفاوتی که دارند در این تابلوها دسته‌بندی می‌شوند (البته در قوانین جدید فرابورس ایران قرار است این تابلوها به زرد، نارنجی و قرمز تقسیم شوند و رنگ قرمز در واقع تابلویی است برای شرکت‌هایی که رسماً ورشکسته هستند اما سهام آن قابل معامله است. از همین جا می‌توان فهمید که قرار است چه اتفاقی در معاملات سهام بیفتد).

این بازارها محدوده نوسان ۱۰ درصدی دارند (البته این محدوده نوسان طبق قوانین جدید فرابورس به ۳ درصد کاهش یافته است). لذا شرکت‌هایی که در این تابلوها قرار دارند در واقع شرکت‌هایی هستند که عمدتاً خوراک سوداگران و سفته‌بازان هستند. در این بازارهای پایه شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها بسیار پایین است و ممکن است برخی شرکت‌ها حتی مجامع سالانه خود را چندین سال برگزار نکرده باشد و نیز از ارائه اطلاعات مالی خود نیز خودداری کرده باشد. با این توصیف شرکت «هیکو» در تابلوی «ب» بازار پایه قرار دارد و این یعنی این شرکت پرریسک است و خوراک سفته‌بازان و سهامداران سوداگر است.



نگاهی به نمودار قیمت سهام این شرکت نشان می‌دهد که این شرکت دقیقاً از ۱۰ تیرماه ۱۳۹۷ که قیمت هر سهم آن ۶۰ تومان بود در عرض ۶ ماه رشد غول‌آسایی را تجربه کرده است و به ۴۳۳ تومان نیز رسیده است. بالا رفتن قیمت سهم در ظاهر به این معناست که تقاضا برای این سهم زیاد بوده است. اما شرکتی که دقیقاً در این مقطع در ورشکسته‌ترین حالت خود قرار دارد و کارگران در اعتصاب و اعتراض کامل هستند و زیان این شرکت در حد فاجعه است و حتی تولیدی هم نداشته است چرا باید تقاضا داشته باشد؟ چرا کسی باید سهم این شرکت را خریداری کند؟ نگاهی به صورت مالی این شرکت در سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که «هیکو» ۱۱۵ میلیارد تومان زیان خالص شناسایی کرده است. بنابراین هیچ فرد عاقلی سهام این شرکت را خریداری نمی‌کند. مگر به یک دلیل ...

کسانی که فعالیت سفته‌بازانه دارند به سراغ شرکت‌هایی می‌روند که محدودیت نوسان گسترده‌تری دارند و شرکت‌های موجود در بازار پایه از این ویژگی برخوردارند. به عنوان مثال اگر قیمت سهم شرکتی در بازار پایه روزانه ۱۰ درصد افزایش پیدا کند فردی که در این شرکت سرمایه‌گذاری کرده است تنها طی ۱۰ روز می‌تواند سرمایه‌ی خود را دو برابر کند (با توجه به قانون جدید ۳ درصد این روزها اندکی بیشتر می‌شود اما در ماهیت قضیه تفاوتی ندارد. اگر قبلاً با ۱۰ روز می‌توانست سرمایه خود را دو برابر کند اکنون طی ۱۵ روز این اتفاق می‌افتد). بنابراین سفته‌بازان در یک حرکت جمعی اقدام به خریداری سهام شرکت می‌کنند و پول زیادی را به یکباره وارد بازار خرید و فروش سهام این

شرکت می‌کنند. نتیجه اینکه خریداری سهام توسط سفته‌بازان (از طریق کانال‌های تلگرامی متشکل از سفته‌بازان و سوداگران که در حال رصد شرکت‌های مناسب برای سفته بازی هستند) منجر به افزایش تقاضا می‌شود و سفته‌بازان و سهامداران خرد نیز که شاهد بالا رفتن سهام این شرکت هستند به پیروی از بقیه وارد خرید و فروش سهام این شرکت می‌شوند. اما آنها تعیین کننده نیستند، تعیین‌کننده کسانی هستند که به صورت عمده و البته هدفمند برای کسب سود کلان پول وارد کرده‌اند. زمانی که هدف سودآوری تعیین شده سفته‌بازان به حد معینی رسید و سود مورد نظر خود را کسب کردند به یکباره اقدام به فروش سهام خود می‌کنند و صف فروش سهام شرکت را تشکیل می‌دهند و به تبع آن قیمت سهم شروع به سقوط می‌کند چرا که اکنون عرضه سهام این شرکت افزایش پیدا کرده است. در همین راستاست که سهامداران خرد که از روی عدم آگاهی اقدام به خریداری سهام کرده‌اند با توجه اینکه از دلالتان و سوداگران اصلی و سفته‌باز یک گام عقب‌تر هستند از فروش سهام خود عاجز می‌مانند. چون وقتی سهم شرکتی رو به سقوط باشد کسی سهام این شرکت را خریداری نمی‌کند و منتظر می‌مانند تا قیمت به حد پایینی خود برسد.

این اقدام برای شرکت‌هایی که سهامداران عمده دارند بسیار راحت‌تر است چرا که دیگر نیازی ندارند که افراد دیگری را برای خریداری سهام ترغیب کنند و خود این سهامداران عمده با خریداری سهام و افزایش تقاضا خود به خود باعث بالا رفتن قیمت می‌شوند و در موقع مقتضی سهام را به فروش می‌رسانند. در آن مقطع زمانی که کارگران هپکو برای دریافت حقوق معوقه خود اعتصاب می‌کردند، شلاق می‌خوردند و احکام حبس دریافت می‌کردند از سوی دیگر کسانی برعکس در حال سودآوری و افزایش سرمایه و ثروت خود بودند. همزمانی این دو وضعیت (وضعیت کارگران و سهامداران) اتفاقی نبود بلکه اقدامی برنامه‌ریزی شده بود در راستای کسب سود از شرکتی که ریسک زیادی دارد. یعنی زمانی که شرکت ورشکسته بود و کارگران شلاق می‌خوردند، سوداگران به ریش کارگران می‌خندیدند.

در بازارهای پایه فرابورس سهام شرکت‌هایی معامله می‌شود که گاهی وجود خارجی ندارند. یعنی سهام شرکت‌هایی که وجود خارجی ندارند در بازارها هدف اصلی سفته‌بازان برای کسب سود بی‌پایان هستند. این اتفاقات در بازار بورس اوراق بهادار که شرکت‌ها ملزم به رعایت شفافیت هستند و قوانین نسبتاً سفت و سختی از طرف سازمان بورس بر آنها اعمال می‌شود، نیز اتفاق می‌افتد اما چون دامنه نوسان محدود است یعنی تنها ۵ درصد است انجام این کار بسیار سخت‌تر است. در ادامه مثال‌هایی می‌زنیم:

شرکت‌های ناموجود (صوری) و کمین سفته‌بازان

در بالا گفتیم شرکت‌هایی که در بازارهای پایه معامله می‌شوند و سفته‌بازان به اصطلاح به زیر سهام آنها می‌زنند (اصطلاحی بین فعالان بازار سرمایه به این معنی عمدتاً سهام شرکتی را بالا می‌برند به قصد سودآوری و فریب سایر سهامداران خرد و ناآگاه) در موارد بسیاری اصولاً وجود خارجی ندارند. از آنجا که هیچ قوانین و مقرراتی بر شرکت‌های موجود در بازار پایه وجود ندارد لذا برای سفته‌بازان اهمیتی ندارد که شرکت به لحاظ بنیادی چه وضعیتی دارد. هدف آنها سود کوتاه‌مدت است و سود و زیان شرکت و میزان تولید و ... اهمیتی ندارد. فقط قیمت سهم این شرکت اهمیت دارد که آن هم با وارد کردن پول زیاد جهت خریداری سهم آن و به تبع آن افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت می‌توان به هدف خود رسید.

پتروشیمی جهرم (جهرم)

این شرکت اکنون به مانند «هپکو» در بازار پایه تابلوی «ب» حضور دارد. ارزش بازار این شرکت حدود ۴۰۰ میلیارد تومان است و قیمت سهم آن اکنون ۱۲۰ تومان است و سهامداران و سفته‌بازان هرروزه به معامله سهام این شرکت می‌پردازند. اما با یک سرچ ساده در اینترنت مشاهده می‌شود که این شرکت وجود خارجی ندارد و تنها یک زمین خالی است و حتی وبسایتی برای این شرکت راه‌اندازی نشده است. یعنی شرکتی در حال معامله است که اصلاً تولیدی ندارد. این شرکت در سال ۸۶ تصویب شد و دو سال بعد کلنگ آن به زمین زده شد اما بعد از ۱۲ سال هنوز هیچ تولیدی ندارد و تنها یک زمین خالی حصارکشی شده است. یک زمین خالی در بازار پایه در حال معامله است و سفته‌بازان از این فرصت استفاده می‌کنند و سودهای فراوان کسب می‌کنند و دائماً بر ارزش این شرکت (به صورت موهومی) افزوده می‌شود. اکنون بحث انتقال این شرکت مطرح شده است چرا که به این نتیجه رسیده‌اند مطالعات اولیه این طرح به لحاظ زیست‌محیطی مناسب نبوده و تأمین آب این شرکت با مشکل عدیده مواجه خواهد شد. طبق مطالعات اولیه‌ای که انجام شده این شرکت سالانه ۶/۵ میلیون متر مکعب آب نیاز خواهد داشت که امکان تأمین آن وجود ندارد.



از همین جا می‌توان فهمید افرادی که همه دارایی خود را قرار است به سهام این شرکت تبدیل کنند چقدر می‌تواند آسیب‌زا باشد و ضرر و زیان متوجه آنها کند؛ به این دلیل که کنترل سهام این شرکت در دست عده‌ی دیگری است که دائماً در حال بالا و پایین کردن آن هستند.

سیمان باقران (سباقر)

شرکت «سیمان باقران» یکی دیگر از شرکت‌هایی است که تولید ندارد اما سهام آن در بازار پایه تابلوی «ب» معامله می‌شود. ارزش بازار این شرکت حدود ۵۵۰ میلیارد تومان است و قیمت هر سهم آن اکنون ۹۱۲ تومان است. نگاهی به وبسایت این شرکت نشان می‌دهد که هیچ اطلاعاتی از این شرکت درج نشده است و تنها اطلاعات محدودی از وضعیت سهامداری این شرکت موجود است. یعنی نه میزان تولید آن مشخص است و نه میزان فروش و نه حتی نوع محصولات. اما قیمت سهم این شرکت به عنوان مثال در یک بازه زمانی یک ماهه حدود ۵ برابر شده است. در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۹۸ قیمت هر سهم این شرکت حدود ۲۷۰ تومان بوده است و در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۹۸ یعنی بعد از یک ماه به ۱۳۷۴ تومان رسید. یعنی اگر فردی ۱۰۰ میلیون تومان وارد این شرکت می‌کرد تنها در عرض یک ماه می‌توانست ۵۰۰ میلیون تومان به جیب بزند؛ تنها یک ماه.



این شرکت که در خراسان جنوبی واقع شده است توانسته است حتی ۲۴ میلیون یورو از صندوق ذخیره ارزی به بهانه رفع موانع تولید خود نیز دریافت نماید. همچنین حدود ۱۰۳ میلیارد تومان تسهیلات از بانک ملی و ۱۲ میلیارد تومان تسهیلات از سرمایه در گردش بانک کشاورزی اخذ کرده اما تنها توانسته بخش‌هایی از هر دو فاز این کارخانه را راه‌اندازی کند و هنوز به مرحله تولید کامل نرسیده است. این در حالی است که این کارخانه در سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است.

صورت مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که کل فروش این شرکت ۴۱ میلیارد تومان بوده است و زیان خالص این شرکت در انتهای دوره ۳۶ میلیارد تومان بوده است. همچنین در صورت مالی سه ماهه منتهی به انتهای خرداد ۱۳۹۸ نیز درآمدی معادل ۲۰ میلیارد تومان ثبت کرده اما در همین زمان زیان خالص این شرکت ۹ میلیارد تومان بوده است.

در گزارشی که هیئت مدیره این شرکت برای سال مالی منتهی به انتهای اسفند ۱۳۹۶ تهیه کرده است نوشته شده است که «شرکت در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۹۲ در فرابورس ایران با نماد سباقر درج شده و سهام آن برای اولین بار در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۲ مورد معامله قرار گرفت» (گزارش هیئت مدیره، ص ۳۴). این در حالی است که در همین گزارش نوشته شده که «پیشرفت فیزیکی پروژه ۹۷ درصد است» (گزارش هیئت مدیره، ص ۳۵). یعنی شرکتی که در سال ۱۳۸۲ ثبت شده و در سال ۱۳۸۴ عملیات ساخت آن آغاز شده تاکنون بعد از دریافت این همه تسهیلات و با اینکه ۱۴ سال از ساخت این شرکت می‌گذرد هنوز تکمیل نشده است اما سهام آن ۶ سال است که در بازار معامله می‌شود و تبدیل به هدف سوداگران شده است. اولین تولید بسیار محدود آن در سال ۹۴ صورت گرفته است یعنی دو سال این شرکت که تنها یک زمین به همراه مقداری تجهیزات بوده بدون اینکه هیچ تولیدی داشته باشد معامله می‌شده است و سهامداران از قبل سفته‌بازی در آن سود می‌کردند.

طبق اطلاعاتی که شرکت «سیمان باقران» در تاریخ ۳۰ مردادماه منتشر کرده است، میزان وام‌های دریافتی این شرکت اکنون و بعد از ۱۴ سال حدود ۱۱۴ درصد کل درآمد فروش این شرکت هستند . این اطلاعات نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌ها در بازارهای پایه معامله می‌شوند اما هنوز وجود خارجی ندارند و تنها تبدیل به هدفی برای فعالیت سفته‌بازانه شده‌اند که از خلال آنها اشخاص بسیاری سرمایه خود را از دست می‌دهند تا به سوداگران سود برسانند. به دلیل اینکه این شرکت‌ها ملزم به ارائه اطلاعات نیستند سفته‌بازان این را فرصتی خوبی می‌دانند تا از فاکتور نداشتن محدوده نوسان بیشترین استفاده را ببرند .

شرکت تولید مواد اولیه الیاف مصنوعی (شمواد)

این شرکت به لحاظ قیمتی شاید یکی از عجیب‌ترین شرکت‌های موجود در بازار فرابورس ایران و بازار پایه تابلوی «ب» است. ارزش بازار این شرکت حدود ۷۸۰ میلیارد تومان است و اکنون قیمت هر سهم آن حدود ۵۴۰۰ تومان است. نگاهی به روند حرکت قیمتی این شرکت هر بورس‌بازی را شوکه می‌کند. قیمت این سهم در اردیبهشت ۱۳۹۷ حدود ۱۰۰ تومان بود و تنها در عرض یک سال و دو ماه یعنی در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۹۸ به ۷۵۰۰ تومان رسید. یعنی در این بازه زمانی نسبتاً اندک ارزش سهم حدود ۷۵۰۰ درصد!!! افزایش پیدا کرده است. یعنی اگر کسی در اردیبهشت ۱۳۹۷ حدود ۱۰ میلیون تومان در سهام این شرکت سرمایه‌گذاری می‌کرد اکنون سرمایه‌ای بالغ بر ۷۵۰ میلیون تومان فقط در یک سال از این شرکت به جیب می‌زد .



مالک شرکت «تولید مواد اولیه الیاف مصنوعی» (شمواد) یک شرکت معروف است به نام «پلی اکریل اصفهان» (شپلی) که در سال ۹۵ بعد از خصوصی‌سازی کاملاً ورشکسته شد و کارگران این شرکت که برای دریافت معوقات مزدی بیش از ۸ ماهه خود اعتراض کرده بودند در نهایت مجبور شدند برای دریافت بیمه بیکاری اقدام کنند. بعد از حدود یک سال دوباره این کارخانه به صورت دست و پا شکسته با کمک دولت شروع به کار کرد و با توجه به اینکه بیشتر مواد اولیه این شرکت از واردات تأمین می‌شود دوباره دچار مشکلات عدیده شده است. در واقع «پلی اکریل اصفهان» سهامدار عمده شرکت «تولید مواد اولیه الیاف مصنوعی است».

این روند افزایش قیمت شرکت «شمواد» تنها از طریق سفته‌بازی و سوداگری صورت می‌گیرد و به یکباره با ترفندهایی که سهامداران عمده از طریق خرید عمده سهام و تزریق پول کلان و به تبع آن هجوم سهامداران خرد انجام می‌دهند تقاضا برای سهم این شرکت افزایش می‌یابد. از آنجایی که دامنه نوسان روزانه‌ای برای شرکت‌های بازار پایه تعریف نشده است در نتیجه صعودهای پی در پی سهام و فروش به موقع، کارهایی است که سهامداران عمده به صورت هدفمند انجام می‌دهند.

مثال‌های زیاد دیگری وجود دارد. مثلاً شرکت «مواد ویژه لیا» یا «شلیا» در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۹۷ اعلام کرد که تولید این شرکت متوقف شده است. بعد از این اعلام قاعدتاً سهام این شرکت باید سقوط می‌کرد اما برعکس شاهد صف خریدهای بسیار عمده برای خرید سهام این شرکت بودیم.

این وضعیت تقریباً در کل بازار بورس ایران با درجات مختلف شدت و حدت وجود دارد و برخی شرکت‌ها از طریق فراخوان‌هایی از جانب برخی سوداگران به یکباره دچار افزایش ارزش می‌شوند، آن هم در حالی که شرکت‌ها وضعیت بنیادی خاصی ندارند. اکثر شرکت‌های موجود در بازار بورس اوراق بهادار تهران زیان‌ده هستند اما شاهد هجوم سهامداران برای خرید سهام آنها هستیم.

این شرکت‌ها که تبدیل به اهداف سفته‌بازی و سوداگری برخی از افراد فعال در بازارهای بورس شده‌اند وضعیت وخیمی دارند به طوری که در برخی از آنها کارگران ماه‌هاست که حقوق و دستمزد ناچیز خود را دریافت نکرده‌اند. به همین دلیل ممکن است برای بسیاری سؤال باشد که چرا هپکو با این توقف کامل تولید و عدم پرداخت دستمزد کارگران اما در بازار بورس پررونق است و سهام آن بدون توجه به وضعیت این شرکت بالا می‌رود. دلیل آن همان چیزی است که در بالا تا حدودی تلاش کردیم نشان دهیم.